



جنبش مشروطه، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و انقلاب ۵۷ به ما چه می‌آموزند؟

گفت‌وگو با مارال کریمی

نسیم روشنایی – مارال کریمی کوشیده است در پژوهش خود نشان دهد که فصل مشترک جنبش‌های اجتماعی ایران مدرن در قرن گذشته چه هستند، چه چیزی را در مورد جامعه ایران به ما می‌گویند و چه مطالباتی در جنبش‌های مختلف مدام تکرار شده و چرا تکرار شده‌اند

نسیم روشنایی

مارال کریمی، جامعه‌شناس، پژوهشگر و دکترای آموزش عدالت اجتماعی

فروردین ۱۴۰۲ ۱۸

ایران مدرن، جمهوری‌خواهی ناسیونالیست، امپریالیسم و جنبش‌های اجتماعی، رئوس کلی یک نظریه» چرخه‌های اعتراض» عنوان تز دکترای مارال کریمی است. این جنبش‌ها در این پژوهش بررسی شده‌اند: جنبش مشروطه، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و جنبشی است که به انقلاب ۱۳۵۷ منجر شد. مارال کریمی در هر مورد پرسیده است کنشگران اجتماعی این جنبش‌ها که بودند و چه خواسته‌هایی داشتند و تا چه حد این خواسته‌ها به دست آمدند. همچنین کنشگران اجتماعی درگیر این جنبش‌ها می‌بایست با چه عوامل بین‌المللی دست و پنجه نرم می‌کردند. مارال کریمی، جامعه‌شناس، پژوهشگر و دارای درجه دکترای آموزش عدالت اجتماعی است. او نتیجه پژوهش خود را از جمله در کنفرانس ایران آکادیا با نام «ایران و گردش قرن؛ آزموده‌ها، (ISS) آموزه‌ها و چشم‌اندازها» در روز ۲۶ اوت ۲۰۲۲ در موسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی در شهر لاهه ارائه کرد.

زمانه در اوایل ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲ و پیش از جنبش «زن، زندگی، آزادی» درباره این پژوهش با او به گفت‌وگو نشست اما انتشار این مصاحبه به دلیل آغاز جنبش به تعویق افتاد. مارال کریمی در این گفت‌وگو به چرایی این پژوهش، پروسه‌هایی که این پژوهش به آنها دست یافت و مطالبات و کنشگران سه جنبش و سوالاتی از این دست پرداخته است.

چرایی آغاز این پژوهش

پرسش اصلی پژوهش این است: جنبش‌های اجتماعی ایران مدرن در قرن گذشته چه چیزی را در مورد جامعه می‌گویند؟ مارال کریمی به دو دلیل این تحقیق را انجام داده است. دلیل اول جنبه شخصی است. او به زمانه می‌گوید که او در بحبوحه انقلاب و جنگ در خانواده‌ای که دغدغه آزادی و مفهوم عدالت اجتماعی و سیاست داشت به دنیا آمده است و در آن شرایط ذهنش درگیر بوده که دلیل این همه خشم و سرخوردگی و ناامیدی جمعی در چیست. کریمی این سوال را در هر دهه زندگی به نحوی می‌پرسید.

وقتی جنبش‌هایی مدام تکرار می‌شود این یعنی خواسته‌های آن جامعه برآورده نشده یا خواسته‌های بخشی از ملت برآورده شده و خواسته‌های برخی همچنان در حاشیه است.

•

دلیل دیگری که کریمی این موضوع را انتخاب کرد جنبه‌ای علمی داشت. زیرا تحقیق اول او درباره جنبش سبز بود که کتابی نیز درباره‌اش نوشته است به نام «جنبش سبز ایران سال ۲۰۰۹». یکی از نتایج آن تحقیق این بود که جنبش‌های اجتماعی در ایران به نظر چرخه‌ای می‌آیند.

به گفته کریمی این خصیصه در تحقیق‌های ژورنالیستی و دیگر پژوهش‌های آکادمیک نیز دیده می‌شود اما هیچ کس آن را تئوریزه نکرده است. او ادامه می‌دهد:

برای من مهم بود که برای درک این پدیده آن را تئوریزه کنم تا متوجه شوم که در ایران مدرن این جنبش‌ها تداعی‌گر چه ساختارهایی هستند. زیرا جنبش‌های اجتماعی اکتورهای اجتماعی دارند که این اکتورها برخی ساختارهای سیاسی و اجتماعی را تغییر می‌دهند. یعنی با هدف تغییر ساختار وارد جنبش می‌شوند.

کریمی کنجکاو بوده که بداند چه ساختارهایی در صد سال گذشته سرسختی کرده‌اند و بازیگران اجتماعی چه می‌خواستند. زیرا به گفته کریمی وقتی جنبش‌هایی مدام تکرار می‌شود یعنی خواسته‌های آن جامعه برآورده نشده است. یا خواسته‌های بخشی از ملت برآورده شده و خواسته‌های برخی همچنان در حاشیه است و هرازگاهی برمی‌خیزد و خواسته‌های خود را بیان می‌کند.

کنشگران سه جنبش اجتماعی

در جنبش‌های اجتماعی ایران از مشروطه تا امروز، کنشگرانی از طبقات، گروه‌ها، ملیت‌ها و اقلیت‌های گوناگونی شرکت داشتند. حضور این تفاوت‌ها و تکثرها جنبش‌ها را از هم متمایز کرده و سویه‌های متفاوتی به آنها داده است.

مارال کریمی به زمانه می‌گوید که در مورد اکتورهای اجتماعی این پژوهش کوشیده است از منظر عدالت اجتماعی نگاه کند و ببیند چه اقشاری از چه طبقاتی، جنسیت و ملیت یا اتنیک و ایدئولوژی‌ای در این جنبش‌ها نقش ایفا کردند. آیا زنان شرکت داشتند؟ آیا قوم‌های مختلف ایران شرکت داشتند؟ و حضورشان در چه حد بوده؟ همچنین ایدئولوژی‌هایی که نیروی محرکه این جنبش‌ها بودند چه بودند؟

به گفته این پژوهشگر مواردی که در بالا ذکر شده به معنی دوگانه‌سازی نیستند. برای مثال در این پژوهش نیروهای چپ یکسر در برابر نیروهای اسلامی قرار نگرفته‌اند. در جنبش‌های اجتماعی طیف‌های مختلفی وجود دارد که کریمی سعی کرده آنها را در این جنبش‌ها نشان دهد. او می‌گوید محدودیت یک‌تاز برای هر نویسنده‌ای سبب می‌شود که نتواند برخی از مسائل را نشان دهد.

در ایران اقلیت‌های مذهبی، جنسیتی و جنسی و ملیتی متفاوتی داریم. مارال کریمی نیز همچون بخشی از آکادمیسین‌ها معتقد است که جنسیت فقط به زن یا مرد خلاصه نمی‌شود بلکه جنسیت یک طیف است. او در ادامه درباره دلیل تمرکز این پژوهش بر زنان و اتنیک‌ها می‌گوید: از نظر من دو شکاف بسیار مهم در حال حاضر در جمهوری اسلامی وجود دارد، شکاف جنسیت و شکاف اتنیکیتی یا ملیتی. برای برپا کردن یک سیستم دموکراتیک و



انقلاب مشروطه، مجاهدان تبریز

جنبش مشروطه خواسته‌های متعددی داشت اما به نظر مارال کریمی در صدر خواسته‌ها ساختن سامان شهروندی مدرن بود. زیرا لازمه یک دولت-ملت مدرن، داشتن شهروندان متجدد بود

به گفته کریمی، شهروند متجدد رابطه ارباب و رعیتی با دولت ندارد. او برخوردار از حق است، حق آزادی بیان، حق شرکت در تشکلات سیاسی، بازخواست دولت، حق رای، حق مالکیت، حق شرکت در دولت و ... در ضمن مسئولیت‌های شهروندی نیز بر عهده دارد. بنابراین به گفته این پژوهشگر یکی از اهداف جنبش مشروطه این است که از انسان ایرانی یک شهروند مدرن بسازد و آن را جایگزین رعیت کند و یک حاکم مدرن بسازد و ارباب را با دولت مدرن جایگزین کند.

اعضای جنبش مشروطه متشکل از ایدئولوژی‌های متفاوتی بود، منجمله افرادی که ایدئولوژی لیبرالیستی داشتند، بخشی از نیروهای اجتماع‌یون و متمایل به سوسیالیسم همچون جنبش آذربایجان و انجمن آذربایجان و نیز روحانیونی همچون آیت الله طباطبایی یا بهبهانی که همه عضوی از جنبش مشروطه بودند.

زنان در جنبش مشروطه به حق رای نمی‌رسند. زنان به همراه مجرمین و غیر مسلمانان در یک سطح قرار می‌گیرند و می‌گویند اینها صلاحیت رای دادن ندارند

•

به گفته مارال کریمی طباطبایی و بهبهانی اما شدیداً با تشکیل عدالت‌خانه مدرن، قوه قضاییه مدرن، تفکیک قوا و حق رای زنان و اقلیت‌های مذهبی غیر مسلمان و غیره مخالف بودند. افزون بر این، همانطور که ژانت آفاری در این باره نوشته است، نفوذ بهائیت نیز که در آن زمان عقایدی مترقی داشتند در جنبش مشروطه مشاهده می‌شود.

کریمی درباره نقش زنان در جنبش مشروطه معتقد است اگرچه زنان در جنبش مشروطه حضور داشتند اما نقش آنها چندان پررنگ نبود و به خصوص در تاریخ‌نویسی‌ها فراموش شدند و حضور آنها مستند نشده یا در نظر گرفته نشده است. او ادامه می‌دهد:

خواسته‌های زنان در جنبش‌های مختلف اغلب نادیده گرفته شده. مثلاً زنان در جنبش مشروطه به حق رای نمی‌رسند. زنان به همراه مجرمین و غیر مسلمانان در یک سطح قرار می‌گیرند و می‌گویند اینها صلاحیت رای دادن ندارند.

برخی از گروه‌های قومی غیر فارس ایران در جنبش مشروطه شرکت کردند. کریمی می‌گوید مثلاً بخشی از ایل بختیاری و بخشی از ایل قشقایی به این جنبش تعلق داشتند و بخشی نیز در جنبش مشروطه شرکت نکردند و با نیروهای حکومتی همراه شدند. به گفته او این ملیت‌ها وابسته به منافع و موقعیت جغرافیایی‌شان موافق یا مخالف مشروطه بودند. حضور یا عدم حضورشان به دلیل انفعال آنها نبوده. یا به این دلیل نبوده که همه ملیت‌های غیر فارس با تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی موافق بودند.

جنبش ملی شدن صنعت نفت

خواسته جنبش ملی شدن صنعت نفت به نظر این پژوهشگر در واقع خلع ید دولت‌های استعماری و سیادت ملی و حق استفاده از منافع و منابع ملی و زنده کردن بخشی از میراث جنبش مشروطه بود که در سال‌های پس از مشروطه و خصوصاً در دولت رضا شاه از بین رفته بود و همچنان قدرت در دست شاه متمرکز شده بود.

کریمی با ذکر این موضوع که مصدق مشروطه‌خواهی سرسخت بود و به درستی متوجه شد که برای اعمال اصلاحاتی که جنبش مشروطه می‌خواست اعمال کند مثل اصلاحات ارضی و آموزش و کلا تامین بودجه کشور به منبع درآمدی نیاز دارد، می‌گوید:

مصدق متوجه شده بود بزرگترین منبع درآمد ایران که آن زمان نفت بود و همچنان نفت است در اختیار یک دولت خارجی است. تنها راهی که می‌شود خواسته‌های پیشروی مشروطه را اعمال کرد این است که این منبع ملی شود.

این پژوهشگر خاطر نشان می‌کند که البته ملی‌گرایی مصدق و مصدقی‌ها در آن دوران با ناسیونالیسمی که اکنون رواج دارد متفاوت است و اصلاً بحث بر سر برتری ملی یا نژادی نیست بلکه برای مصدقی‌ها سیادت ملی و منافع ملی مطرح است. به گفته کریمی روحانیت شیعه نیز تا حدی با مصدقی‌ها همراهی می‌کرد. اما در این پروسه نیز مصدقی‌ها به روحانیت شیعه باج دادند او درباره حضور زنان در این جنبش، علیرغم تلاش‌هایش قادر نبود به منابع و مستندات چندانی دست یابد، گرچه اذعان می‌کند شواهد و قرائن می‌گویند که امکان ندارد نقش زنان در آن جنبش کم بوده باشد.

جنبش انقلاب ۵۷

انقلاب ۵۷ انقلابی بود که نیروهای متکثری در آن حضور داشتند و این نیروها سر یک موضوع توافق داشتند: با شاه و استبداد پادشاهی مخالفاند اما اجماع و وضوح چندانی برای نظام جایگزین پهلوی وجود نداشت. کریمی نیز مطالبات این انقلاب را ضد شاه و ضد استبدادی می‌داند به زمانه می‌گوید:

من بیشتر شعارهای این انقلاب را بررسی کردم و بیشتر ضد شاه است. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی/ ایرانی یکی از مهمترین شعارهاست. اما ابعاد واژه «آزادی» در این شعار مشخص نیست. یکی از دلایلیش نوع گفتار خمینی است که رهبر این جنبش شد. گفتار او گفتاری است که سیستماتیک پر از مغالطه، تحریف و نیمه حقیقت‌هاست. این خصلت باعث سردرگمی بسیاری از شرکت‌کنندگان شد.

مارال کریمی می‌گوید در جنبش انقلاب ۵۷ طیفی از اسلام‌گراها حضور داشتند که به چند دسته تقسیم می‌شدند، از مجاهدین گرفته تا فداییان اسلام و غیره... همچنین در این انقلاب مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها، لیبرال‌ها و بخشی از نهضت ملی هم حضور داشتند. کریمی معتقد است زنان بزرگترین بازنده این جنبش بودند. چون اولین گروهی بودند که حقوقشان محدود و بدنشان کنترل شد.

این پژوهشگر مستندهای بسیاری از حضور کردستان و ترکمن صحرا و عرب‌ها در این جنبش ارائه می‌دهد.

یافته‌های پژوهش چه بودند؟

مارال کریمی در این پژوهش پنج مجموعه از مطالبات سیاسی-اجتماعی را در این سه خیزش یافته است که دو مجموعه اول نیروهای محرکه جنبش‌ها هستند.

کریمی مهمترین این نیروهای محرکه را با عنوان مجموعه مطالباتی دسته‌بندی کرده که در راستای "جمهوری‌خواهی و شهروندی قانون مدار" حرکت می‌کنند، مثل حق تعیین سرنوشت، حقوق شهروندی، حق رأی و حق مالکیت.

در همین راستا دومین نیروی محرکه عموماً با انگیزه "بازپس گرفتن سرمایه‌های ملی" در خدمت رفاه اقتصادی عموم مانند ملی کردن صنعت نفت جهت تامین بودجه اصلاحات اقتصادی و سیاسی، مدیریت بودجه و منابع طبیعی و برخی اصلاحات ارضی است.

کریمی همچنین سه مجموعه از نیروها و ساختارهای اجتماعی-سیاسی را برمی‌شمارد که نقش بازدارنده‌ای بر پروسه دموکراتیک دارند. مهمترین این مجموعه‌ها "ساختارهای سرکوبگر اجتماعی" هستند مانند مردسالاری، مذهب، اقتدارگرایی و امپریالیسم.

حق تعیین سرنوشت یکی از اهداف اصلی مبارزات از زمان مشروطه تا امروز است.

•

مجموعه دیگر "جابه‌جاشدگی و به حاشیه رانده‌شدگی" برخی لایه‌های اجتماعی است. مثلاً زنان در ۴۳ سال گذشته بیشتر به حاشیه رانده شده‌اند. دیگری فرودست‌سازی ملیت‌های غیر فارس است. او ادامه می‌دهد:

می‌بینیم که در صدسال گذشته ملیت‌های غیرفارس ایران به حاشیه رانده شده‌اند. برخی از شهروندان حقوق شهروندی خود را از دست داده‌اند، مثل زن‌ها و اتنیک‌ها. معتقدم که آنها مدام و به طرق مختلف می‌بایست شهروند بودن خود را ثابت کنند. به گفته کریمی در حال حاضر مجموعه سرکوبگر سوم " رژیم جمهوری اسلامی " است. مردسالاری دینی و حکومتی، اقتدارگرایی و تمرکز قدرت در مرکز و مذهب حکومتی به اجزای این مجموعه برمی‌گردند.

به گفته این پژوهشگر این مجموعه‌ها بر همدیگر و بر پروسه دموکراسی‌خواهی تأثیرات متفاوت و متقابلی می‌گذارند. مثلاً نابرابری جنسیتی در حق تعیین سرنوشت نیمی از جمعیت جامعه تأثیر می‌گذارد. او می‌افزاید که حق تعیین سرنوشت یکی از اهداف اصلی مبارزات از زمان مشروطه تا امروز بوده است.

تئوری‌های پژوهش

این پژوهش در سنت تئوری‌های انتقادی انجام شده است. کریمی می‌گوید او تحقیقاتش را همواره در حوزه تئوری‌های انتقادی انجام می‌دهد. چرا که با تئوری انتقادی می‌توان پدیده‌ها را در بستر تاریخی‌شان بررسی کرد. او در این زمینه می‌گوید:

برای اینکه بتوانم پیوستگی جنبش‌ها را در بستر تاریخی‌ای نشان دهم که از مشروطه تا به حال وجود داشته و در قالب خواسته‌های مشترکی که در قیام‌ها به صورت‌های مختلف به اشکال متفاوت در زمان‌های متفاوتی بروز یافته از نظریه ماتریالیسم تاریخی مارکس استفاده کردم.

او همچنین از تئوری ساختاربندی آنتونی گیدنز استفاده کرده است که رابطه بین بازیگر اجتماعی و ساختار را نشان می‌دهد. این تئوری نشان می‌دهد که چطور بازیگران و ساختارها همدیگر را متاثر می‌کنند و تغییر می‌دهند.

کریمی افزون بر تئوری‌های نامبرده شده در بالا، از تئوری سیستم‌های پارسونز نیز استفاده کرده است که حداقل کارکرد ساختارهای مختلف را نشان دهد.

همچنین به گفته کریمی متدولوژی این تحقیق بیشتر هرمنوتیک انتقادی یورگن هابرماس است و او همیشه با نیم‌نگاهی به نظریات ارتباط سیاسی و گفتمان سیاسی هابرماس پژوهش خود را انجام می‌دهد. او می‌گوید:

هدف این روش تنها عیان کردن روابط قدرت و ستم نیست، بلکه راه‌های رهایی بخش را هم مطرح می‌کند.

روش تحقیق و چالش‌ها

مارال کریمی از مندهای جمع آوری داده‌های متفاوتی در این پژوهش استفاده کرده است. او به زمانه می‌گوید که برای جمع‌آوری داده‌ها در جنبش مشروطه از اسناد تاریخی استفاده کرده است: همچون متن فرمان، دستنویس قانون اساسی اول و مکمل قانون اساسی، بسیاری از زندگی‌نامه‌ها، دست‌نوشته‌های زمان مشروطه، کتاب‌های مختلف، روزنامه‌هایی مثل صور اسرافیل، مساوات، روح‌القدس و حبل‌المتین.

به گفته کریمی حتی نامه‌هایی که زنان به نشریات فرستاده بودند جزء منابع این پژوهش بودند. او می‌گوید که این تحقیق را با توجه خاص به فرودستان جامعه نوشته است.

در فرایند این پژوهش موانع بسیاری بر سر راه مارال کریمی وجود داشت. اولین مانع دوران کووید بود. او می‌گوید که به‌خصوص در مورد مشروطه به اسناد بسیاری دسترسی نداشت. زیرا به خاطر کووید نمی‌شد مسافرت کرد. بسیاری از کتابخانه‌ها که اسناد را اسکن می‌کردند و به محققان می‌دادند یک سال اول تعطیل بودند و کتاب و اسناد امانت نمی‌دادند. او ادامه می‌دهد: سعی کردم با استادانی که در این زمینه تحقیق کرده بودند ارتباط بگیرم. خیلی‌هایشان کمک کردند و برخی اطلاعی نداشتند. مسئله دسترسی به داده‌ها خیلی دست و بالم را تنگ کرد.

او در مورد ملی شدن صنعت نفت هم از روزنامه "باختر امروز" استفاده کرده است. همچنین در مورد انقلاب ۵۷ نیز شعارهای انقلاب و مطالبات زنان را از طریق چند کتاب بررسی کرده است.

کریمی در ادامه می‌گوید از محدودیت‌های دیگر، دسترسی به برخی از منابعی بود که حضور زنان و ملیت‌ها را مستند کرده باشد.

تبعید و محدودیت‌هایی که حکومت برای دسترسی به تحقیق میدانی ایجاد می‌کند و امنیتی کردن فضای پژوهش آکادمیک، از جمله چالش‌های برخی محققین این حوزه است.

این پژوهشگر در پایان می‌گوید آنچه می‌توانست این تحقیق را بسیار پربارتر کند دسترسی مستقیم به انسان‌هایی بود که در آن جنبش‌ها شرکت داشتند، به‌خصوص اقشار فرودست، مثلاً زنان فرودستی که در انقلاب ۵۷ شرکت داشتند، زنانی که امتیاز مصاحبه کردن با محققان را تا کنون نداشته‌اند.